

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سردبیر: آرش کمانگر شماره 220 یکشنبه 12 مهرماه 1383 3 اکتبر 2004

قدرت مردم در عصر امپریالیسم

هیاهوی " هخا " در یک نگاه !

نوشته: **ارونداتی روی**
ترجمه: **احمد مزارعی**

آرش کمانگر

هنگامی که کلمات به مسلخ برده میشوند و معانیشان لت و پار میشود، چگونه میتوانیم نیروی مردمان را دریابیم؟ آن هنگام که اشغالگری نام آزادی بر خود مینهد، دموکراسی به معنای نئولیبرالیسم و اصلاحات به معنی سرکوب، آن هنگام که شنیدن کلماتی از قبیل "همکاری" و "حفظ صلح" موی را بر بدن سیخ میکند، نیروی مردم چگونه معنایی را باید تداعی کند؟ در این مقاله به شرح این موضوع خواهیم پرداخت .

بقیه در صفحه 10

از همان اول مشخص بود یا باید مشخص میبود که پدیده جنجالی " ر هخا " آمیزه ای از شارلاتانیسم ، اپورتونیسم ، خرافات مذهبی و خالی بندی سیاسیست که در متن شور و شوق مردم برای پایان دادن به بختک جمهوری اسلامی ، شعور آنها را به بازی گرفته است .

ماجرا ظاهرا از چند ماه پیش آغاز شد . در یک میهمانی در حومه واشنگتن ، فردی بنام فتح الله خالقی یزدی - معروف به دکتر اهورا- به آقای " سربی " (از برنامه سازان تلویزیون رنگارنگ) نزدیک شده و از اینکه ایشان در برنامه های خود سلطنت طلبان را مورد انتقاد قرار میدهند ، گلّه و شکایت میکند و در رثای حفظ وحدت و محسنات نظام پادشاهی سخن میگوید . سربی به او میگوید که تلویزیون رنگارنگ تریبونی برای انعکاس همه اندیشه هاست و او میتواند این حرفها را در تلویزیون هم مطرح کند .
بقیه در صفحه 2

بیانیه جمعی از زنده ماندگان شهریور ۶۷ در پاسخ به داریوش همایون

در تاریخ ملت‌ها روزهای داغ و درفش فراوان است. روزهای خانه خرابی و سقف فروریختگی؛ روزهای بغض و عزیز از دست دادگی، که ۲۵ سال است روزمرگی‌های مان را این گونه سیری کرده‌ایم. تاریخ جنایت حکومت اسلامی تا قبل از شهریور ۶۷ را می‌توان از جمله این روزها به حساب آورد. شهریور ۶۷ سیستم جنایت ۲۵ ساله حکومت را به بعد و قبل از آن تقسیم کرد و امروز با توافق عمومی وجدان‌های بیدار به عنوان عبار سنجش جنایت پیشگی حکومت آدم خواران قرار گرفته است.

بقیه در صفحه 8

گزارش آنچه در شانزدهمین یادمان یاد یاران در تابستان ۸۳ انجام گرفت

و ما هنوز درکاریم ولی !

« به یاد زنده اندیشانی که سلام شان را به آزادی ،
با گلوله و طناب دار پاسخ گفتند! »
(از کتاب: «حقیقت ساده» جلد ۱، اثر: منیره برادران)

امیرجوهری لنگرودی

تا این لحظه که تابستان دیگری را به پایان می بریم ، یادمان شانزدهمین سالگرد کشتار سراسری زندانیان سیاسی ایران ، در داخل و خارج ازکشور با برپایی تجمعات ، تظاهرات ، تحصن ها و اجراء برنامه های گوناگون از جمله: (سخنرانی ها ، نمایش تاتر ، نمایش هنرمندانه رقص عاشقانه دوست داشتن زندگی ، شعر خوانی ها و غیره ۰۰۰) و مصاحبه ها ، گفتگوها و میز گردهای رادیویی ، برپایی چندین نشست پالناکی در سطح شبکه انترنت جهانی ، چاپ شدن دهها مقاله و نقل خاطرات زندانیان سیاسی و سرایش شعر و سروده ها در سطح سایت های گروهها ، سازمان ها و احزاب اپوزیسیون و کانون های مدافع زندانیان سیاسی و ویلاگ های شخصی همه و همه
بقیه در صفحه 4

سندیکای کارگری برن (سوئیس) نسبت به دستگیری تعدادی از فعالین کارگری در ایران اعتراض کرد !

برگردان : **مرضیه دانش**
صفحه 7

گزارش مراسم یادمان
جانباختگان در پاریس

صفحه 9

ادامه از صفحه یک

هیاهوی " هخا " ...

نامرده این پیشنهاد را با مدیر تلویزیون رنگارنگ (داور ویسه) مطرح میکند ، اما مدیر در ابتدا با آن مخالفت نموده و " دکتر اهورا " را به دیوانگی متهم مینماید . ولی ظاهراً پس از کمی مقاومت ، موافقت میکند که خالق یزدی کار خود را در تلویزیون آغاز نماید .

" دکتر اهورا " اما در برنامه های تلویزیونی خود بجای تبلیغ مستقیم سلطنت پهلوی ، به ترویج آئین خود ساخته ای بنام " هخا " میپردازد و اینکه هر اتسائی باید " هخا منش " شود تا خود و جامعه به رستگاری برسند . او خود را بازرگان و سرمایه دار موفق معرفی میکند که دهها کمپانی را در مدیریت و یا مالکیت خود دارد ، با حدود بیست زبان آشنایی دارد ، در خارج متولد شده و هیچگاه در ایران نبوده ، اجداد او " پارسی مرام " بوده اند که بدلیل فشار مسلمانان ناگزیر از مهاجرت شده اند و او در اروپا توانسته چندین مدرک مهندسی ، کارشناسی و دکترای دریافت کند !!

اما برادر او که یک پزشک سالمند ساکن رشت است ، گفته های فتح الله را تکذیب میکند و میگوید که همه آنها ساکن رشت و شیعی مذهب بوده اند . هفته نامه ایرانیان (چاپ امریکا) نیز در گزارسی به قلم " تقی مختاری " افشاگری نموده که خالق یزدی تا کنون پنج بار ازدواج کرده و طلاق گرفته که حاصل آن نه فرزند بوده است . این نشریه همچنین از میان مشاغل و مدارک مورد ادعای اهورا ، تنها مدرک هوانوردی و اشتغال در شرکت هوایی " عراق ایر " را که در امریکا مستقر بوده و پروژه بازسازی خطوط هوایی عراق را کنترات گرفته ، توانسته تانید کند .

" دکتر اهورا " در برنامه های خود ضمن اشاعه امید به رهایی قریب الوقوع مردم ایران از چنگال حکومت ملایان ، با ظاهر شدن در نقش یک رمال و ساعر ، حتی ادعای شفای معلولین را هم مطرح میکرد . او همچنین وعده داده بود که در روز یک اکتبر به همراه مریدان خود با حدود پنجاه هواپیمای دربیست (چارتر) به تهران خواهد رفت تا مراسم مهرگان را در مرکز شهر برگزار نماید . او وعده داده بود که تا آن موقع آخوندها ، فرار را بر قرار ترجیح خواهند داد . اما اول اکتبر آمد و رفت و از این " سفر تاریخی " خبری نشد .

او چند روز پیش در مصاحبه با رادیو فردا به این رادیو گفت که بدلیل نقشه های رژیم اسلامی علیه او و مردم و خطر کشت و کشتار ، فعلاً سفر خود را به تعویق انداخته است .

به هر رو وقتی مدتی پیش " دکتر اهورا " برنامه خود را در تلویزیون رنگارنگ شروع کرد ، به نحو مرموزی ، این تلویزیون که در آستانه ورشکستگی بود به یکباره پخش کانال جدیدی را از نیویورک و معطوف به ایران شروع میکند . بتدریج مدیر تلویزیون از مجریان و برنامه سازان منتقد و جمهوریخواه میخواهد که از انتقاد به سلطنت و نیز سیاستهای اسرائیل پرهیز کنند و در همین راستا آقای سربی استعفا داده میشود . در عوض دو تن از سلطنت طلبان دو آتشه ساکن تورتوتوی کانادا به امریکا می آیند تا در کار تلویزیون و باد زدن پروژه اهورا مشارکت نمایند .

با گرم شدن بازار دکتر اهورا ، بخش دیگری از سلطنت طلبان که بقول خودشان " طاقت شان " از ادامه حکومت اسلامی به سر رسیده (نظیر تلویزیون " آزادی " متعلق به هنرپیشه سابق - رضا فاضلی -) به جار زدن هیاهوی اهورا و ترتیب دادن پی در پی کنفرانس مطبوعاتی برای او مشغول میشوند . این ماجرا وقتی به اوج میرسد که هفته گذشته ، اجتماعی با حدود هزار نفر در میدان انقلاب تهران برگزار میگردد که در آن مردم با پخش گل و شیرینی ، قریب الوقوع بودن سرنگونی رژیم را به هم تیریک میگفتند . این حرکت انعکاس و پوشش خبری گسترده ای پیدا میکند و در جریان انعکاس آن ، سعی میشود که بانی و سازمانده آنرا دکتر اهورا معرفی نمایند . جالب اینکه اثری از لباس شخصی های رژیم برای مقابله با مردم نبود و نیروی انتظامی نیز در نهایت آرامش و مهربانی با اجتماع کننده گان برخورد نموده است !!

با این حرکت ستاره اقبال اهورا به اوج میرسد . برخی دیگر از رسانه های راست به قافله میپیوندند ، از جمله رادیو 24 ساعته صدای ایران ، با شرکت در کنفرانس رسانه ای اهورا ، قول میدهد که در " خبر رسانی " سنگ تمام بگذارد !!

اکنون اما با سپری شدن ضرب العجل اول اکتبر بنظر میرسد که ماجرا بتدریج از حالت " سیاسی " خارج شده و به سوژه ای فکاهی برای سرگرم کردن مردم مبدل گشته است .

اما برآستی پدیده " هخا " را چگونه باید ارزیابی نمود . در این زمینه چند فرضیه مطرح شده است : نخست آنکه او آدم " بالا خانه اجاره داده ای " است که میخواهد مردم را هم در عوالم روحی و روانی خود شریک کند . دوم اینکه او یکی از پادوهای سازمان سیا است که با بودجه اهدایی آنها مشغول تست افکار عمومی ایران میباشد . سوم آنکه او نماینده جناح افسار گسیخته ای از سلطنت طلبان و ساواکیهای تبعیدی است که حوصله شان از " بی عرضه گی " شاهزاده به سر آمده و میخواهدند به خیال خود ، کار را یکسره کنند . چهارم اینکه او قرار است با برپایی هیاهوی کاذب و راه اندازی آکسیونهای ماهواره ای ، بهانه لازم را به رژیم جهت تشدید سرکوب و برچیدن آنتهای ماهواره ای (که گفته میشود

هیاھوی " هخا " ...

فضای موقت تنفس و برای مردم یک امکان تعمق و بازنگری فراهم آمده است .

مردم میخواهند از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند ، اما دوست دارند اینکار به بی درد ترین شکل ممکن و با کمترین هزینه ممکن تحقق پذیرد . در چنین فضایی است که " ناجیان " از راه میرسند و با علم کردن مجموعه ای از آموزه ها ، ادعای در دست داشتن اکسیر حیات بخش را در بوقها میدمند . در این فضای اسکیزوفرنی ، شارلاتانها و اپورتونیستها از همه قماش به میدان می آیند و رو به مردم باتگ میزنند که : " ایمان آورید تا رستگار شوید " !

پدیده هخا هر چه بوده و هر چه باشد ، تا جامعه ای زمینه پذیرش نداشته باشد ، کاری از پیش نخواهد برد . مثلا چند درصد از مردم ایران در آستانه انقلاب 57 خمینی را میشناختند ؟ ولی دیدیم که چگونه " ابر و باد و فلک " دست بدست هم دادند تا موجبات قدرتگیری او و همپالگی هایش را فراهم نمایند .

فقر آگاهیهای ترقیخواهانه و دمکراتیک در جامعه و فقدان سازماندهی حول این آگاهی ، سبب شد که نه تنها مردم بلکه بخش اعظم روشنفکران نیز " خمینی پذیر " شوند . اکنون نیز اگر نجنبیم ، همین داستان تکرار خواهد شد و یا برای ما تکرار خواهند کرد . نگونیم مردم از شکست انقلاب بهمین درس گرفته اند و چنان هزیمت هایی تکرار نخواهند شد ، نه ! هیچ چیز مسلم نیست . نه سرنگونی رژیم ، نه دستیابی به آزادی و رهایی و نه جلوگیری از موج سواری شارلاتانها و مرتجعان !

همه اینها به تلاش ، روشنگری و سازماندهی نیروی حقیقتا آزادیخواه و برابری طلب بستگی دارد . باید توجه داشت که امکانات ما با امکانات دشمنان رهایی واقعی مردم قابل مقایسه نیست . آنها زور و زر دارند و مهمتر از همه امکان کنترل افکار مردم از طریق رسانه های کلان . اما آنها علیرغم کیسه پولشان ، نیرویی اندک اند و ما (نیروی رنج و کار) بیشماریم .

پس باید در این فضای وقفه ، در این فضای ناجیگری ، با مردم سخن بگوئیم و با آنها به شیوه مدرن ارتباط بگیریم . صدا و تصویر آن ابزار نوینی ست که مردم بیش از همه می پسندند . نیروی آزادی و برابری باید با اتحاد خود و با کار خود نگذارد تراژدی شکست جنبشهای یک صد ساله اخیرکشورمان تکرار گردد .

ایجاد یک رسانه سمعی و بصری ماهواره ای ، پر قدرت ، رادیکال و حقیقتا مردم سالار ، عاجل ترین وظیفه ایست که بر دوش نیروهای چپ و دمکرات سنگینی میکند . این وظیفه عاجل به تنهایی قابل تحقق نیست .

این درد مشترک ، جدا جدا درمان نمیشود !

فقط در تهران یک میلیون نفر از مردم از آن برخوردارند) اعطا کند . برای هر یک از این فرضیه ها هم دلایل و شواهدی طرح میشود . مثلا ادعای خرافی و دینی او مبنی بر داشتن قدرت معجزه ، آشنایی نزدیک او با خانواده های سلطنتی از جمله فرح پهلوی ، ملاقات او با ریگان در دوره ریاست جمهوری (گویا در این ملاقات کذایی او از ریگان اجازه خواسته که به عمر شوروی پایان دهد و ریگان گفته که اینکار بدون زور و اسلحه نمیشود ، ولی خالق یزدی توانست ریگان را قانع کند و او با روش مخصوص خود ظرف سه سال کار اتحاد شوروی را ساخته !!) ، انتقال یکی از ویلاهای گران قیمت سفارت ایران در واشنگتن در دوره انقلاب بهمین از سوی اردشیر زاهدی - سفیر وقت - به اهورا جهت جلوگیری از تصاحب آن توسط جمهوری اسلامی ، دفاع اهورا از سلطنت در محافل و مقاطع مختلف ، تمدید پاسپورت جمهوری اسلامی از سوی دفتر حفاظت منافع رژیم در امریکا (بنا به تحقیق نشریه ایرانیان) این در حالیکه خالق ادعا میکند که هیپگاه با رژیم ارتباط نداشته و به ایران سفر نکرده است .

هر یک از فرضیه های مذکور عناصری از واقعیت را با خود حمل میکنند و حتی ممکن است همه آنها در مورد او صادق باشند . به هر حال شارلاتانها میتوانند دست به هر کاری بزنند و فرصت طلبانه ، هم با باز باشند هم با کبوتر !

آنچه اما در این ماجرای جنجالی اهمیت دارد ، خود اهورا و ماهیت واقعی او نیست . موضوع پراهمیت ، تحلیل شرایط و جامعه ایست که چنین شارلاتانها و یا مزدوران و یا مجنونانی امکان ابراز وجود و عروج پیدا میکنند .

ما در چگونه وضعیتی قرار داریم که چنین پدیده هایی هر چند موقت ، توانایی خود را در مشغول کردن مردم به معرض نمایش میگذارند ؟

واقعیت اینستکه شرایط سیاسی جاری ایران از یک اسکیزوفرنی (عارضه بیم و امید) رنج میبرد . امید از اینرو که بالاخره با مسجل شدن استیصال اصلاح طلبان حکومتی و شکست رویای استحاله این رژیم عصر شترچرانی به یک حکومت دمکراتیک ، توجه مردم بیش از پیش به حقانیت شعار سرنگونی تام و تمام این حاکمیت جهنمی جلب شده است . بیم از اینرو که مردم هراس دارند عزم آنها برای برچیدن این رژیم به کشت و کشتار وسیع بیانجامد و یا اینکه با بهره برداری امریکا ، سرنوشتی همانند عراق به سراغ آنها آید که در هر دو حالت بیم دارند که شیرازه جامعه از هم بگسلد و هرج و مرج و نا امنی کشور را فرا گیرد . از اینرو شاهد یک حالت وقفه و یک دوره انتقال هستیم که در آن برای رژیم یک

ادامه از صفحه یک

و ما هنوز درکاریم ولی ...!

(و در حمایت از اعتصابات و اعتراضات زندانیان سیاسی و در محکومیت کشتار سال ۶۷ در حضور جمع کثیری از ایرانیان روز شنبه ۲۸ اوت ۲۰۰۴ در شهر کلن برگزارگردید . دکتر بهرام بیگدلی سخنگوی (جمعیت دفاع ۲۰۰۴) در گفتگو با رادیوی دو پیچه وله (صدای آلمان) عناصر اصلی این تجمع اعتراضی به افکار عمومی اعلام داشت !

(۶) امستردام (هلند) - به دعوت « سازمان دانشجویان ایران - هلند ، فعالین سازمان فدائیان اقلیت ، کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) واحد هلند ، هوداران حزب کار ایران هلند ، انقلابیون کمونیست » برنامه ای را با نمایش فیلم (شاهدان چشم بنه زده) محصول کانون به کارگردانی رضا علامه زاده ، موسیقی و اجراء ترانه سرودهای بند توسط هنرمندان مبارز مصطفی گرگین پور عضو کارگاه هنر ایران ، احمد محمودی و همراهی هنرمندان دیگر و قطعاتی کوتاه از بازمانده گان کشتار بزرگ روز شنبه ۴ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر امستردام بر پا کردند ! (۷) استکهلم (سوئد) - به دعوت « کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) واحد مرکزی استکهلم » چون هر سال برنامه ای با سخنرانی چند تن از جان بدر برده گان زن و مرد این جنایت عظیم ، نمایش فیلم مستند (شاهدان چشم بند زده) کار کانون و نادر کارگردانی رضا علامه زاده به نمایش در آمد . گروه گر کانون و نادر لاشایی هنرمند معروف ساکن استکهلم نیز برنامه داشت . گروهی از هنرمندان جوان سوئدی و روسی به اجراء رقص پرداختند . بخشهایی از روند دادگاه های تفتیش عقاید تابستان ۶۷ نیز اجراء شد . پیام تعدادی از سازمان های سیاسی در نشست ادا گردید . این برنامه که همزمان از طریق اطاق پالتاک نیز نشان داده می شد روز شنبه ۴ سپتامبر ۲۰۰۴ در سالن اجتماعات هوسبی ترف استکهلم برپا گردید و با استقبال وسیعی روبرو گردید !

(۸) کلن (آلمان) - به دعوت « تلاش - کانون حمایت از مبارزات مردم ایران - کلن (آلمان) » در گرامی داشت جانبختگان سال ۶۷ + با دعوت از سودابه اردوان از زندانیان سیاسی و نویسنده کتاب : « یاد نگاره های زندان » و نمایش اسلایدهای نقاشی شده خانم اردوان از زندانهای رژیم اسلامی ایران ، اجراء اثر نمایشی : « وهم سبز » از خانم بهرخ حسینی بابایی در روز شنبه ۴ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر کلن بر گزار گردید !

(۹) زوریخ (سوئیس) - به دعوت مشترک « کانون دموکراتیک پناهندگان و شواری زندانیان سیاسی در - تبعید » در شانزدهمین سال قتل عام های زندانیان سیاسی ، تظاهرات ایستاده ای سازمان داده شد . تظاهر کنندگان با صدور قطنامه ۶ ماده ای و با تأکید خواهان : اعزام یک هیات بین المللی جهت بررسی قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و تحقیق در رابطه با سلسله قتل های زنجیره ای و کشتار دانشجویان شدند ، تدارک بر گزارى تریونال بین المللی علیه محاکمه سران رژیم از خواسته خهای تظاهر کننده گان بوده است . این حرکت روز پنجشنبه ۹ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر زوریخ سازماندهی گردید !

(۱۰) فرانکفورت (آلمان) - به دعوت « گروه زنان ایرانی در فرانکفورت » بر نامه ای با عنوان : « زندان به روایت زنان » با سخنرانی مزده ارسی که از مشاهدات و تجربه زندان و شکنجه خود برای حاضران سخن راند . نمایش اسلاید و فیلم : « از فریادی تا فریاد دیگر » روایتی تصویری از زندانهای رژیم جمهوری ، اجراء رقص شاهرخ مشکین قلم ، هنرمند میهمان از فرانسه که با استقبال وسیع بویژه نسل دومی ها روبرو گردید . این برنامه یادمان کشتار ۶۷ روز جمعه ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر فرانکفورت برپا گردید !

(۱۱) برمن (آلمان) - به دعوت : « گروهی از فعالین چپ شهر برمن » اکسیون اعتراضی ایستاده ای در برابر راه آهن مرکزی شهر در محکومیت کشتار تابستان ۶۷ در روز شنبه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر برمن برگزار گردید !

(۱۲) دورتموند (آلمان) - به دعوت : « کانون فرهنگهای ایران » به یاد اعدامیان زندان های رژیم و با نمایش فیلم : « از فریاد تا آن فریاد » و اجراء رقص اذان توسط شاهرخ مشکین قلم هنرمند میهمان از پاریس ، کشتار سال ۶۷ را محکوم کردند . این برنامه روز شنبه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر دورتموند بر گزار گردید !

بخشی از کارنامه عمل نیروهای ترقیخواه و رادیکال ایران در افشاء ماهیت کشتار زندانیان سیاسی در دو تابستان خونی ۶۰ و ۶۷ بوده که آن تجاوز آشکار با فتوای شخص خمینی و توسط عوامل کارگزار وی به اجراء درآمد !

می توان به جرئت نوشت : در کمتر سالی این چنین وسیع و گسترده ، یادمان گرامی داشت آن جانهای عاشق زندگی در سطح شهرها و کشورهای گوناگون جهان ، اینگونه وسیع برگزار شده باشد . طی نشستها بخشا در کنار خانواده های اعدامیان کشتار ۶۷ ، زندانیان سیاسی آزاد شده از آن قتل عام ها ، هریک بعنوان شهادین عینی و با گوله باری از خاطره و تشویش آن سالهای پرتعب ، از شهری به شهری و از کشوری به کشور دیگر و گاه قاره ای را زیر پا گذاشته و خود گردانندگان اصلی این یادمان ها بوده اند تا به شایسته ترین کلام ، یاد جانگاہ ببقاراری های هر یک از آن جانهای عاشق زندگی را در درون دلها بکارند و به عیان بر زبان رانند :

که مردگان این سال عاشق ترین زنده گان بوده اند ! (شاملو)

در این نوشته برای به ثبت رساندن این همه کار ، تلاش می ورزم که آنها را بدون تقدم و تاخر شان بعنوان یک سند زنده از عملکرد اپوزیسیون آزادخواه در شانزدهمین سالگرد این کشتار فهرست کنم و اگرچنانچه در فهرست کردن ، انجام مراسمی از قلم افتاده باشد ، پیشاپیش از برپا دارنده گان آن عذر می خواهم . (۱) خاک خاوران (تهران) - به رسم هر سال ، امسال نیز جسورانه تر همسران و فرزندان ، مادران و پدران ، خواهران و برادران با همراه جوانان و آزادخواهان ایرانی در گلزار خاوران روز جمعه ۶ شهریور ۸۳ برابر ۲۷ اگوست ۲۰۰۴ به استقبال ۱۰ شهریور رفتند و یاد تمامی خونی دهنان کشتار دو تابستان ۶۰ و ۶۷ را بر سر خاک شان گرامی داشتند !

(۲) تورنتو (کانادا) - به دعوت « سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران در تورنتو » سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی ایران سال ۶۷ در کنار درخت یادمان در تورنتو و در چمنی وسیع با حضور بیش از ۲۰۰ نفر برگزار گردید . بایک یزدی به همه حاضران خوشآمد گفت و حسن پویا از کشتار سال ۶۷ سخن گفت . جان کلارک رهبر ائتلاف علیه فقر در انتاریو سخنرانی کرد . مصمام کاشفی از اعضاء قدیمی سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران سخنرانی نمود . زینت آماداهی نویسنده و آکتویست بومیان کانادائی ، به اجراء ترانه بومی پرداخت . یوسف اکرمی سازنده فیلم (چند نمای ساده) برای جمع صحبت کرد . اجراء ترانه کردی و رقص دستجمعی و ترانه خوانی از جانب شرکت کنندگان ، مجموعه زیبایی از یادمان خاطره جانبختگان زندان های ایران را بر دلها نشاناد . این برنامه موفق روز یکشنبه ۲۴ اوت ۲۰۰۴ در چمن دانشگاه تورنتو (کانادا) بر پا گردید !

(۳) سیدنی استرالیا - به دعوت « کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) واحد استرالیا » با عنوان : « باید که دوست بدریم یاران را » گرامی داشت یاد یاران را با میزگردی از زندانیان سیاسی سابق و نمایش فیلم (شاهدان چشم بند زده) محصول کانون به کارگردانی رضا علامه زاده روز شنبه ۲۸ اوت ۲۰۰۴ در سیدنی استرالیا بر پا کردند تا خاطره آن جانبختگان را در شانزدهمین سالگرد کشتار شان گرامی بدارند !

(۴) گوتنبرگ (سوئد) - به دعوت « جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران » گوتنبرگ « تنبستی به یاد زندانیان سیاسی و کشتار تابستان ۶۷ با دعوت از دکتر حسین باقر زاده و اجراء موسیقی و قرائت پیام چند سازمان سیاسی روز شنبه ۲۸ اوت در سالن فولکت هوس شهر گوتنبرگ گرامی داشته شد !

(۵) کلن (آلمان) - به دعوت « جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن » تظاهراتی در برابر کلیسای بزرگ شهر کلن (دم) در اعتراض به اعدام دختر ۱۶ ساله شهر نکا (عاطفه رجبی



و ما هنوز درکاریم ولی ...!

چپ ایران در راین و مابن « برنامه ای از سینمای آزاد تحت عنوان : « زندان و سینمای تبعید » از جانب نصیر نصیبی تهیه و از سوی نسیرین بهجو اجرا شد . سخنرانی رحمان در کشیده با عنوان : « تاریخ ، تابستان ۶۷ را فراموش نخواهد کرد » ، برنامه شعر خوانی مینا اسدی شاعر آزاده و مبارز تبعیدی ، برنامه تکنوازی و گروه نوازی آهنگساز و نوازنده توانا تبعیدی داریوش شیروانی ، در این برنامه آوازه خوان خوش صدا تبعیدی گیسو شاکری و نوازندگان همراهشان ادامه یافت . پایان بخش برنامه خواندن ترانه (قفس را بسوزان - رها کن پرندگان را) که با استقبال و همراهی حاضران روبرو گردید! این برنامه با یاد دلاور زنان و مردان سر بر دار روز شنبه ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر ماینز برگزار گردید!

۲۰) زوریخ (سوئیس) به دعوت مشترک : « کانون دمکراتیک پناهندگان و شورای زندانیان سیاسی - در تبعید » برنامه ای در گرامیداشت یاد یاران در شهر زوریخ روز شنبه ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴ برگزار گردید!

۲۱) آتلانتا (آمریکا) - توسط : « بنیاد اسماعیل خونی » برنامه ای تحت عنوان : « کنگره فاجعه ملی » با اجرای برنامه های گوناگون از جمله : نمایش فیلم مستند : « درختی که یاد می آورد » با زیر نویس انگلیسی ، شعر خوانی اسماعیل خونی ، شعر خوانی سعید یوسف ، سخنرانی مسعود نقره کار تحت عنوان : « کشتار دگراندیشان در ایران » ، در این کنگره یاد مان خانم هایده ترابی با اجرای نمایش تئاتر تک نفره (با من برفص) الهام گرفته از قتل های زنجیره ای ، جلوه خاصی به برنامه بخشید . این برنامه روز یکشنبه ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴ در آتلانتا در ایالات متحده آمریکا برگزار گردید!

۲۲) سوئیکنائو (شرق آلمان) - به دعوت مشترک (حزب سوسیالیست ایران - تشکیلات شرق آلمان و اتحادیه سراسری پناهندگان واحد شرق آلمان) فراخوان به تحسن یک هفته ای یادمان قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ ، سازمان داده شد . با نصب چادر و در هواک بارانی فعالین حزب و پناهجویان در مرکز شهر سوئیکنائو از روز دوشنبه ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۴ با برپایی نمایشگاه عکس و پخش تراکت های افشاء گرانه تجمع یک هفته ای خود را سازمان دادند که تا دوشنبه ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۴ ادامه داشت!

۲۳) آخن (آلمان) - به دعوت « کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - آخن » و با سخنرانی از فریبا ثابت زندانی سیاسی سابق و نویسنده کتاب « یاد های زندان » و اجرای نمایشی به نام « از زیر خاک » برداشتی آزاد از نوشته نسیم خاکسار کاری از رضا جعفری و موسیقی عباس مشایخ و شعر خوانی ، یاد بیشمار یاران اعدامی ، توسط فعالین کانون چون هر سال ، امسال نیز گرامی داشته شد . این برنامه روز شنبه ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۴ در آخن برگزار گردید!

۲۴) ماینز (آلمان) به دعوت « کانون زنوایان سیاسی ایران (در تبعید) مراسم گرامی داشت با سخنرانی مسئول سازمان عفو بین الملل در آلمان و چند تن از مسئولان پناهندگی آلمان و با حضور میهمانان آلمانی برگزار گردید . قرانت پیام کانون ، نمایش فیلم (شاهدان چشم بند زده) محصول کانون و به کارگردانی رضا علامه زاده ، هفت تن از زندانیان سیاسی سابق با حاضرین پیرامون ، شکنجه ، جنایات رژیم بویژه در سالهای اولیه و دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ و قتل عام ها صحبت کردند و به سئوالات چندی پاسخ دادند . این مراسم روز شنبه ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر ماینز برگزار گردید!

۲۵) ونکوور (کانادا) - به دعوت « کمیته برگزاری مراسم سالگرد جانباختگان زندان - ونکوور - کانادا » و با نمای سمبلیک ورودی یک شاخه گل یا عکسی از جانباختگان آن کشتار خونین ، برنامه ای را با شرکت آقای دان رایت مسئول سازمان عفو بین المللی در استان بریتیش کلمبیا - کانادا ، خانم مهر انگیز جهانشاهی نویسنده و مادر یکی از جانباختگان ، آقای علی نگهبان عضو کانون نویسندگان ، آقای سیامک نجفی شاعر ، خانم فریده خردمند عضو کانون نویسندگان ، آقای صفارساعد فعال سیاسی و با اجرای مراسم خاطره گوئی ، سخنرانی ، شعر خوانی ، برپایی نمایشگاه عکس و طرح و نیز اجرای موسیقی ایرانی ، به نشستی کوبنده برعلیه جنایت و کشتار زندانیان آن تابستان خونین بدل

۱۳) لندن (انگلستان) - به دعوت : « کمیته برگزاری تظاهرات » متشکل از گروه بندی های سرنگونی طلب و چپ ، به مناسبت ۱۶ امین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی ، تظاهراتی در مقابل بانک ملی سابق ایران روبروی ایستگاه راه آهن بر گزار گردید . شعار مرکزی تظاهر کنندگان : زندانی سیاسی به همت توده ها آزاد باید گردد - جمهوری اسلامی از هرجناح و دسته سرنگون باید گردد! این تظاهرات روز شنبه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر لندن برپا گردید!

۱۴) لندن (انگلستان) - به دعوت : « کمیته برگزاری مراسم گرامی داشت - لندن » با شعر خوانی سیاستگذار برلیان ، اجراء تاتر با هنر نمایی پروانه سلطانی و داوود راستگو و سخنرانی های شهاب شکوهی و حوری غنیان از زندانیان سیاسی و با حضور مهمانی از مسئولین عفو بین المللی بریتانیا و سخنرانی وی و با اجراء موسیقی اردشیر ارجمندی ، در روز یکشنبه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر لندن برگزار گردید!

۱۵) شمال کالیفرنیا (آمریکا) - به دعوت : « گروه برگزار کننده بزرگداشت قربانیان کشتار ۶۷ شمال کالیفرنیا » با دعوت از منیره بردان (م . رها) نویسنده کتاب : « حقیقت ساده » زندانی سیاسی سابق ، لایلا کاظمی پویا و نمایش اسلاید و دو فیلم کوتاه در رابطه با زندان به همراه آواز شیرین مهرداد ، با شعار : یادمان فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ را به کارزاری علیه شکنجه و اعدام تبذیل کنیم ، در روز شنبه ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر کمپل (ایالات متحده آمریکا) برپا گردید!

۱۶) پاریس (فرانسه) - به دعوت : « انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - پاریس » چون هر سال ، برنامه وسیع و گسترده به یاد تمام به خون خفتگان تابستان ۶۷ شامل : سخنرانی آقای علی اصغر حاج سید جواد با عنوان : « ادای دینی به جان باختگان » ، سخنرانی آقای هدایت الله متین دفتری با عنوان : « در باره جنایت علیه بشریت » ، سخنرانی خسرو عبدالهی در باره : « کشتار قارنا در کردستان ایران » ، میز گردی با شرکت : شهین هیرمن پور - فریبا ثابت - مهدی اصلانی - مهران مصطفوی - بهروز فراهانی در باره جنایات رژیم صحبت رانندند! در این برنامه نمایش فیلم ۵۵ دقیقه ای به نام : « ایران مقاومت مردم زیر اختناق » به کارگردانی جمشید گلمکانی و همینطور بحث و گفتگو با کارگردان ، پس از نمایش فیلم صورت گرفت . این برنامه با حضور با شکوه زنان و مردان آزادبخواه ایرانی در روز شنبه ۱۸ شنبه ۲۰۰۴ سپتامبر برپا گردید!

۱۷) برلین (آلمان) - به دعوت مشترک دو نهاد : « کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین و کانون پناهندگان سیاسی ایران - برلین » با دعوت سودابه اردوان زندانی سیاسی سابق و نویسنده : « یاد نگاره های زندان » همراه با نمایش اسلاید از آثار نقاشی خانم اردوان از زندانهای ایران ، دعوت از خانم مونیکا تیمن شهردار منطقه ویلمر سدروف برلین ، خانم بار بارا لچ بیلر دبیرکل سازمان عفو بین الملل در آلمان در برنامه ، گرامی داشت یاد یاران صحبت داشتند . این برنامه روز شنبه ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر برلین برگزار گردید!

۱۸) هامبورگ (آلمان) - به دعوت مشترک : « فعالین حزب سوسیالیست ایران - تشکیلات واحد هامبورگ و اتحادیه سراسری پناهندگان واحد هامبورگ » در گرامی داشت یاد یاران ، تجمع اعتراضی را در یکی از میدانهای مرکزی شهر با اجازه پلیس برگزار کردند . نمایش سنبلیک خیابانی اعدام با چوبه دار ، توجه شهروندان آلمانی را به خود جلب نمود . پلیس ضد شورش در برابر تجمع مردم ، اقدام به بردن دار اعدام نمود ، شعار فعالین چپ آلمانی در همراهی با فعالین حزب سوسیالیست ، در کنار نمایشگاه افشاء گرد رژیم ، جلوه ای از گرامی داشت یاد یاران را در روز شنبه ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر هامبورگ و همراهی پلیس آلمان با رژیم ضد تاریخی جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت!

۱۹) ماینز (آلمان) - به دعوت مشترک : « شورای ایرانیان دمکرات و مترقی شهر ماینز و اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و

و ما هنوز درکاریم ولی ...!

کردند • این مراسم با شکوه روز یکشنبه ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۴ در ونکوور برپا گردید!

۲۶) واشنگتن (آمریکا) به دعوت مشترک : « اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن ، جمعی از زندانیان سیاسی ، خانواده های قربانیان کشتار ۶۷ » با حضور منیره برادران زندانی سیاسی و نویسنده کتاب « حقیقت ساده » در سه جلد و سخنرانی وی با عنوان : « بررسی تجربیات زندانهای جمهوری اسلامی » و با اجراء قطعه نمایشی به کارگردانی حسین افصحی و با رقص زیبای شاهرخ مشکین قلم هنرمند میهمان از پاریس و با استقبال وسیع نسل دومی ها در روز یکشنبه ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر واشنگتن (ایالات متحده آمریکا) برگزار گردید!

۲۷) لس آنجلس - کالیفرنیا (آمریکا) - به دعوت « انجمن مدافع دموکراسی در ایران - لس آنجلس » و با سخنرانی رضا فانی بزدی از زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به همراه گفتگو و نقل خاطرات و شعر خوانی چند زندانی سیاسی در روز دوشنبه ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۴ در تالار اجتماعات شهر سانتا مونیکا (ایالات متحده آمریکا) برگزار گردید!

۲۸) برمن (آلمان) - به یاد زندانیان سیاسی و به زبان آلمانی با دعوت از منیره برادران نویسنده کتاب « حقیقت ساده » در سه جلد ، همراه با سرود های انقلابی ملیت های مختلف با صدای آئینه در روز شنبه ۲ اکتبر ۲۰۰۴ در شهر برمن بر پا می گردد! ۲۹) مونترال (کانادا) به دعوت « کمیته برگزار کنندگان خاوران - مونترال » مراسم قتل عام زندانیان سیاسی با عنوان : « همیشه به یادتان » و با سخنرانی ندا و ناصر از باز ماندگان زندان سال ۶۷ و حسن پویا فعال سیاسی ، فریدون صبوری - مسعود رثوف و با حضور هنرمندان میهمان : آرام بیات (گروه خورشید خانم) ، حسن شبرنگ - هما علیزاده - فریدون فرهی در روز شنبه دوم اکتبر ۲۰۰۴ در خیابان پارک شهر مونترال (کانادا) برگزار می گردد! ۳۰) اتاوا (کانادا) - به دعوت « انجمن فرهنگی ایرانیان مرکز اتاوا و مناطق وابسته » در همکاری با کانون خاوران مونترال و تورنتو یادمان یاد جان باختگان ۶۷ را گرامی می دارند • در این برنامه ندا و ناصر از بازماندگان سال ۶۷ ، حسن پویا - فریدون صبوری - مسعود رثوف صحبت می کنند و هنرمندانی چون : هما علیزاده - حسین شبرنگ - آرام بیات - فریدون فرهی به اجراء موسیقی می پردازند • این برنامه روز یکشنبه سوم اکتبر ۲۰۰۴ در شهر اتاوا (کانادا) برگزار می گردد!

در این میان امیدم برآنستکه ، مراسمی را از قلم نینداخته باشم • آری با اینکه :

ما هنوز در کاریم ولی هنوز در میانه راهیم • اگر به ظرفیت های خود برگردیم ، انرژی ما در خارج از کشور بمراتب جان دارتر از آنچه بیست که تا به امروز به نمایش گذاشته ایم! بر پایه گزارشات فوق ، آنچه در تمامی جلسات مشترک می نماید ، اینکه : همه سخنرانان با وسواس و بیان احساس مسئولیت آفرین شان ، از شرف و زیبایی وجودی همه مبارزین و همه انسانهای بیقرار آن کشتار های صعب ناک ، به جانانه ترین شکل ممکن دفاع کردند و بر ابعاد فراموش نشدنی این سلسله جنایات رژیم اسلامی پای کوبیدند!

این سخنرانان که خود بازمانده گان آن جنایات خوف ناکند ، با حضور خویش بر پشت میکروفون ها ، از جسارت زندگی نسلی سخن راندند که با جان مایه زندگی شان ، از رنج و خون ، تازیانه ، پای درخت اعدام ، تیر باران گذر کردند و سر بردار شدند! سخنرانان برای افکار عمومی شنوندگان خود ، از تلخ کامی فرزندان میهنی سخن راندند که برای سعادت جامعه شان همواره " نه " خوین را بر زبان راندند و برای هر « نه » گفتنی ، تخت شلاق ، تازیانه ، قیانی ، انفرادی ، قطع ملاقات ، تابوت مرگ ، اعدام مصنوعی ، چوبه دار ، اعدام ، تیر خلاص و صد ها شکنجه روحی و جسمی را به جان خریدند تا به آرمان انسانی خویش وفادار باقی بمانند • قصه آنانی که به صف « توابین » نظام رانده شدند ، خود قربانیان انشعبار آن جنایاتی گشتند که سردمداران دیو صفتی همچون لاجوردی ، داوود رحمانی و صد ها جانور دیگر زاینده

اش بودند • آنان به خط شده بودند تا با انواع توبه کردن ها ، جان خود را نجات دهند ولی به همراه بیشمار ، یاران زندان اعدام شدند • تاریخ قضاوت خویشتندارانه خود را در حق این قربانیان شکنجه بر زبان خواهد راند • سخنرانان از جسارت بیماند نسلی ، سخن به میان آوردند که از زمره پاک بازترین فرزندان جامعه و آینده سازانی می بودند که حاضر نشدند ، خود را به هیچ قیمتی قربانی مطامع رژیم اسلامی کنند • برپای دار ایستادند تا زندگی بیافرند! باری زندانیان سر بردار به قول منیره برادران :

« سلام شان را به آزادی ، با گلوله و طناب دار پاسخ گفتند » آنچه در این گزارش مهم می نماید؛ گوناگونی و تنوع تحرکات شانزدهمین سال یاد یاران و تاکید حول دا د خواهی خواست خانواده های اعدام شده گان و اینکه کشتار زندانیان سیاسی دو تابستان ۶۰ و ۶۷ را ، می باید از مصادیق « جنایت علیه بشریت » نامید! در این زمینه یعنی گنجاندن تعریف حقوقی و سیاسی آزادیهای فردی و اجتماعی و زدودن تمامی آزادی ها از جمله : دستگیری ، زندان ، شکنجه ، قتل ، نابودی ، نسل کشی و هر نوع اقدامات ضد انسانی که در ملتقای زیر گرفتن حقوق انسانها ، جای گیرد تا به امروز تعاریف چندی رسمیت یافته است • بطوریکه در مرحله اول اسناد دادگاه نورنبرگ ، بند ۳ از مصوبه شماره ۶ مقوله « جنایت علیه بشریت » را چنین تعریف می کند :

« قتل ، نابودی ، تقلیل انسان ها به وضعیت بردگی ، کوچ اجباری و هراقدم غیر انسانی دیگری که بر علیه مردم غیرنظامی ، پیش یا پس از جنگ ، و نیز آزار و اذیت انسان ها به دلیل سیاسی ، نژادی ، مذهبی ، چه این اقدامات نقض قانون ملی کشوری که یا این اقدامات در آن صورت می گیرند ، باشند یا نباشند » (۱) دقیقاً بر اساس چنین تعریفی بود که سران آلمان نازی و ژاپن میلتاریست محکمه و مجازات شدند • وزین پس برای اولین بار مقوله « جنایت علیه بشریت » وارد گفتمان قضائی و جنائی شد!

از طرفی در دادگاه کلوس باری نازی ، مشهور به « قصاب لیون » در سال ۱۹۸۵ ، دیوان عالی فرانسه ، تعریفی تازه از « جنایت علیه بشریت » به دست داد ، بر پایه این تعریف : « اقدامات غیر انسانی و آزار و اذیتی که به نام دولت ، که سیاست بر قراری بر تری ایدئولوژیک را مضمون کار خود قرار داده ، به شیوه ای سازمند نه تنها بر علیه افراد به خاطر تعلق نژادی یا مذهبی آنان بلکه هم چنین بر علیه کسانی که با این سیاست مخالفند ، حال این مخالفت هر شکلی که داشته باشد ، صورت می گیرد ، جنایت علیه بشریت تلقی شده و بنابراین مشمول مرور زمان نمی شوند » حکم صادره در داد گاه جنائی لیون ، ۳۰ دسامبر ۱۹۸۵ (۲) پرسش این است : آیا نظام غیر انسانی و آزادی گش جمهوری اسلامی ، که به نام یک نظام آسمانی و یک ایدئولوژی برتر ، همه آن چند هزارتن جان های عاشق را که با سیاستهای رژیم از بنیاد مخالف بودند و به همین دلیل یا دستگیر شدند ، یا در درون زندانها از بین برده شدند و یا در صحنه جامعه با کشتار صیادان انزلی ، کردستان ، ترکمن ها ، آذربایجان ، یورش به اعراب جنوب ایران ، سرکوب دانشگاهها ، تهاجم به کارخانجات و کشتن کارگران ، تهاجم به اجتماع زنان ، ترورهای خارج از کشور ، قتل های زنجیره ای ، آدم ربائی ها که یا مثله شده و از پای درآوردند! همه این اعمال سرکردگان رژیم اسلامی ، می باید تجلی « جنایت علیه بشریت » از جانب نظامی شمرده شود که به « شیوه سازمند » بر علیه یکایک فرزندان برومند کشورمان در تمامی طول ۲۵ سال حاکمیت سیاه ، با فتاوی سردمداران رژیم و عوامل کارگزار آنان بخدمت گرفته شده است!

وسعت کارمان - بر پایه همین گزارش - در شانزدهمین سالگرد قتل عام کشتار ۶۷ ، بار دیگر نشان میدهد که درآستانه فرا رسیدن هرتابستان ، آستین ها را بالا می زیم و به صحنه می آییم و تحرکاتی را به ثبوت می رسانیم ، پس آنگاه برای تجدید قوا تا تابستانی دیگر برای پاسخگویی به دیگر وظایف خویش درگیر کارها می گردیم !

امروز بحث اساسی این است : وقتی تجدید آرایش ما در صحنه رودررویی بر رژیم در برابر افکار عمومی جهان و مجامع حقوقی بین المللی ، به این حد رسیده که بخشا سخنرانان مان تعدادی از فعالین عفو بین الملل و چهره های انساندوست جوامع میزبان هستند و امروز اپوزیسیون آزادیخواه ایران ، هر پنج قاره جهان را

سندیکای کارگری برن (سونیس) نسبت به دستگیری تعدادی از فعالین کارگری در ایران اعتراض کرد!

و ما هنوز درکاریم ولی ...!

آقای خاتمی رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران!

سندیکای کارگری برن «SMUV» به تازه ترین اقدام بر علیه رهبران سندیکایی در ایران، آقایان محمد صالحی، جلال حسینی، برهان دیوانگر و محمد عبدی پور اعتراض می کند. به اعتقاد ما، این چهار نفر که از فعالین سندیکایی در ایران هستند، برخلاف نظر رژیم ایران با سازمانهای غیرقانونی سیاسی همکاری نداشته و برای ما چهره های شناخته شده ای هستند. محمد صالحی یکی از این افراد است که به عنوان یکی از رهبران سندیکایی شناخته شده است و در سال 2001 مدت ده ماه را در زندان سپری ساخته است. به نظر می رسد که این عده صرفا به خاطر فعالیت سندیکایشان و سازماندهی مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر تحت پیگرد قرار گرفته و در تجمع پنجاه تن از کارگران که قصد بر گزار نمودن جشن اول ماه مه را داشتند بازداشت گردیده و تا 12 ماه بدون اعلام جرم در بازداشت قرار داشته اند.

ما کاملا متأسفیم که همکاران ما، به خاطر حق شناخته شده بین المللی شان در ایران می بایستی تحت پیگرد قرار گیرند. ما این اقدام را نقض دموکراسی و حقوق بشر می دانیم، چرا که این افراد تنها به دلیل این که خواهان اجرای حقوق سندیکایی و حقوق بشر بوده اند و در شرایطی که آنها در 29 اپریل قصد تماس با هیئت نمایندگی «ICFTU» را داشته اند بازداشت شده اند.

علاوینا، ما این اقدام کشور شما را محکوم نموده و یاد آور می شویم که، شما بر خلاف کنوانسیون 87 و 98 سازمان بین المللی کار (ILO) و سازمان ملل متحد است عمل نموده اید. کشور شما به عنوان عضو ILO موظف است که قوانین و پرنسپ های مورد توافق را رعایت نموده و به آنها گردن نهد. ما از شما می خواهیم که تمامی فعالین سندیکایی و به ویژه کسانی را که قصد اجرای قوانین شناخته شده ملی و بین المللی را داشته اند آزاد نموده و حقوق سندیکایی و دموکراسی را در ایران تضمین نمایند.

ما امیدواریم که همکاران سندیکایی ما بدون هیچ قید و شرطی و با اعاده حیثیت از آنان آزاد شوند. چرا که آنها فقط قصد داشتند مراسم اول ماه مه را جشن به گیرند.

با احترامات فائقه

رودی کلر (دبیر سندیکای کارگران برن)

کپی: به خاتم میشل کالمیره، عضو هیئت دولت سونیس

به سفارت جمهوری اسلامی ایران در برن

برای افساء جنایات این رژیم آدم کش ، زیر پوشش فعالیت های خود در می نوردد . چرا نباید از پراکندگی درآییم و حرکات تعرضی مان را کانونی کنیم ؟ چرا به صفتی عمل نماییم ، که خود کنیم و خود بشنویم ؟

اگر بقولی تدارک کمیته داد خواهی و سازماندهی دادگاه بین المللی برای محاکمه سران نظام ، خواست دبریا و جمعی خانواده های اعدامیان و ما تلقی می گردد . باید در تمامی طول سال چهره های شاخص زندانیان سیاسی رها شده از اعدام های سال ۶۷ - که هر کدام از آنان به نوعی ، صحنه گردان ، یادمان ها و تجمعات شانزدهمین سال بوده اند - با حفظ باورها و انگاره های ذهنی و عقیدتی خویش ، بعنوان شاهدین و شاکیان حقیقی و حقوقی و به همراه نمایندگان خانواده های اعدامیان در خارج ازکشور گرد هم آیند و با قدرت جمعی برسر میثاق « یاد یاران » پشتوانه فراخوان عامی را فراهم آورند!

آنچه که امروز به مثابه «کمیته حقیقت یاب» که از طرف منیره برادران در مصاحبه ها ، نشست ها به دفعات صحبت به میان آمده است . آنچه را که محمد رضا معینی ، به عنوان « دادخواهی و خواست خانواده های اعدامیان » اعلام می دارد . همه و همه در کالبد سازمان پابی « نهاد » یا « بنیادی » متشکل از نماینده گان خانواده ها و خود زندانیان سیاسی با پشتوانه و معتقد به کار جمعی و از طریق تدارک مجمع عمومی فراهم می آید! تا این نشود و فعالیت متشکل و سازمان یافته به مانند تجربه تشکیلات « بنیاد پژوهشهای زنان خارج از کشور » برای پوشش سراسری بخشیدن به کار دادخواهی که عاجل ترین وظیفه این مرحله کار محسوب می گردد ، تدارک بنییم و براین پراکندگی ها فائق نیاییم همواره در کلافی پیچ در پیچ رها شده خواهیم ماند ، باید بر این پراکندگی کارغلبه نمود!

در راستای تاسیس چنین نهادی ، همه فعالین سازمان ها ، تشکل های فرهنگی و اجتماعی و کانون های اخص زندانیان سیاسی ، سازمان ها ، احزاب ترقیخواه و انانی که با تمامیت این نظام تا به امروز تعیین تکلیف کرده اند در داخل و خارج ، اقدام شما را مورد پشتیبانی و حمایت همه جانبه قرار خواهند داد . چنین بنیادی می تواند ، امر دادخواهی خانواده های اعدامیان را که تا به امروز بارها به نهادهای حقوق بین الملل طرح شده ، با سرسختی دنبال نماید .

چنین نهادی با تدارک سازماندهی کنفرانسهای سالانه ، هر سال در یک کشور ، در کنار زنجیره ای کردن خط اعتراضات ، پیرامون محکومیت هر نوع دستگیری ، زندان ، شکنجه . قصاص ، سنگسار ، اعدام ، همواره محاکمه سران رژیم را بر جسته کرده و تدارک بر پایی دادگاه بین المللی را در دستور کار خود قرار دهد. ما باید به سردمداران این نظام آدمکش از صدر تا ذیل نشان دهیم که هنوز در کاریم و عقب نمی نشینیم . این کار شدنی است .

مهر 83 ما باز هم در این زمینه سخن خواهیم گفت !!

amirjavaheri@yahoo.com

برگردان: مرضیه دانش -- به نقل از سایت اتحاد کار

* همچنین به گزارش سایت راه کارگر ، 46 اتحادیه کارگری در امریکا ، جمعی از کارگران ایران خودرو ، و کانون نویسندگان ایران نیز با صدور بیانیه هایی ، حمایت خود را از کارگران بازداشتی مربوط به پرونده اول ماه مه سفر اعلام داشته اند .

ماخذ : (۱ و ۲) بهروز فراهانی ، گزارش مجله آرش - پاریس

ادامه از صفحه یک

در پاسخ به داریوش همایون

دوره‌های تاریخ ایران که به کینه و خون آغشته است به عنوان معاون تک حزب حاکم - حزب رستاخیز - و آخرین وزیر اطلاعات و سخنگوی دولت آموزگار مبلغ فرهنگ تک صدایی و تک حزبی بوده و به عنوان یکی از تئوری پردازان اصلی آن مبلغ نظر "هر کس عضو حزب ما نیست گذرنامه‌اش را بگیرد و گورش را کم کند" بوده‌اند. ایشان با نگاهی مقصرتراش به تاریخ، عرصه مخالفت با اندیشه چپ را به دشمنی با آن تنزل داده‌اند.

آقای همایون! شما که اتهام به کارگیری ادبیات چپ از دهان خمینی را پیراهن عثمان کرده‌اید، چرا نمی‌گویید خمینی رج زده است و از روی دست شما تقلب کرده است. حزب‌الله خمینی از بذری که شما بر روی زمین تک حزبی جامعه پاشیده‌اید، سبز شده است. شما گفتید، شاه سایه خدا؛ آن‌ها گفتند، خمینی روح خدا؛ شما گفتید، حزب فقط رستاخیز به رهبری سایه خدا؛ آن‌ها گفتند، حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح‌الله. آقای همایون، حزب الله ادامه همان رستاخیز شماست. خمینی از زهدان سلطنت متولد شده و مولود تمام و کمال نظام پادشاهی ایران است که شما از تئوری پردازان برجسته آن بوده‌اید. تمام گذشته و حال شما دلبستگی به تک فردی و تک شخصیتی شما را به نمایش می‌گذارد.

آقای همایون، با شما نه مسئله‌ی شخصی داریم و نه کینه‌ای از آن دست که شما با خود حمل می‌کنید. اما جامعه ایرانی با دگرگشت فکری و پس از دو تجربه مرگبار سلطنت و مذهب روبه آینده‌ای حرکت میکند که با علایق و انتخاب شما ناسازگار است. اگر تحلیل شما بر سر فاجعه شهریور ۶۷ به بهانه دفاع از حقوق بشر را با دیگر موارد داوریتان مانند کودتای ۲۸ مرداد در گذشته ایران مورد مذاقه قرار دهیم، چندان متعجب نخواهیم شد تک پا بودن تحلیل شما در مورد آن اقدام شوم که فرایند روند دموکراسی و چندصدایی در ایران را متوقف کرد، بیشتر به لجبازی یک مشروطه‌خواه وامانده از قدرت شباهت دارد تا نگاهی هوشمندانه به یک رویداد تاریخی. در جایی که وزارت امور خارجه آمریکا، مجری اصلی طرح کودتا، رسماً به دخالت در امور داخلی - کودتا - ایران معترف شده است و این اتفاق در دوره جنگ سرد، تنها ویژه ایران نبوده است، اسب تحلیل شما به سمتی دیگر هی می‌شود. جان مایه آخرین تحلیل شما در مورد فاجعه تابستان ۶۷ که تئوری قدرت و دلبستگی‌تان به آن را تبلیغ می‌کنید، آن است که اگر چپ‌ها قدرت می‌گرفتند می‌توانست جایشان با جانی عوض شود. و چپ‌ها نیز البته مانند استالین دست به کشتار می‌زدند. این ساده‌انگاری تحلیل گونه را می‌توان به یک پیشگویی خرافه‌پرستانه و یا در بهترین‌ترین شکل آن یک پیش فکر در عرصه نظری مورد بررسی قرار داد. اما آقای همایون شما که در این مورد کارنامه رفوزگرتان را سال‌ها قبل دریافت کرده‌اید، شما در هرم قدرت بودید و جنایت اتفاق افتاد. کارنامه شما آغشته به خون شریف‌ترین فرزندان این ملک بلاخیز است.

شما هر چه دیوار کینه است بر سر چپ قدرت نگرفته و همیشه خون داده آوار می‌کنید. خانواده سیاسی که همیشه در صف اول عدالت خواهی، مورد تهاجم دو حاکمیت رفوزه شیخ و شاه قرار داشته است. به راستی آقای همایون چرا دل‌تان از این کشتار خنک شده است و این بی‌احساسی و بی‌معرفت‌ی غیرقابل درک را در چه معنایی باید جستجو کرد. نکند به جهت تکمیل کار ناتمامی باشد که تاریخ خونبارمان به تهای آن شهادت داده است. ماجرای تپه‌های اوین را که فراموش نکرده‌اید. آن جا که خوب‌خواهان این ملک را سر بریدید. آیا تفاوت‌ها را باید در ارقام کشته شدگان و تعداد صفرها و این که چه کسی بیشتر کشته است، جستجو کرد و نه نفس جنایت؟ آقای همایون لطفاً به ما نگوئید خمینی بیشتر از شاه کشت . ما را به مهمانی و ضیافت قصاب‌ها فرانخوانید. آخر قرار نیست میان آن‌ها ملکه زیبایی انتخاب کنیم.

طنز تاریخ و گزندگی آن شاید در درستی این گفتار نهفته باشد که هیچ چیز نمی‌تواند سیستم جنایت را در خفا و اسارت خطا نگاه دارد. مرور زمان و فرسایش تاریخ و ارقام جنایت از نفس جنایت نمی‌کاهد. ۱۶ سال پس از شهریور ۶۷ و ۳۰ سال پس از تپه‌کشی شاهانه لازم است تکرار کنیم که بررسی جنایت شامل مرور زمان نخواهد گشت. ده‌ها نمونه از این دست را می‌توان شماره کرد. آقای همایون ما جان بدربرندگان و زنده‌ماندگان کشتار سیاه شهریور ۶۷ به عنوان مثال حق داریم یقه محمد خاتمی وزیر ارشاد وقت در

برای یادآوری و تلنگر به حافظه‌های هنوز له نشده و یا دهایی که خوره فراموشی به جانشان نیافتاده است می‌گوییم که کوتاه زمانی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از طرف حکومت اسلامی، طرح از قبل آماده شده کشتار زندانیان سیاسی در زندان‌های سراسر کشور به اجرا درآمد. جوانی جان‌های چندین هزار طی چند روز گرفته شد و استخوان‌های هزاران هزار بر خاکپشته‌های لعنت آبادهای اسلامی شیار شد. به فرمان خمینی و همراهی و توافق پابوران حکومت خداسالار خاطره عظیم ملتی پرپر شد و ۱۰ شهریور هویت و شخصیتی یافت که امروزه هنجار جنایت است.

در سال‌های اخیرزنده داشت و یادمان این جنایت هولناک از چنان گسترده‌گی برخوردار شده است که تمامی نحله‌های فکری درگیر با حکومت را ناچار به موضعگیری کرده است.

از جمله کسانی که در شانزدهمین سالگرد جنایت بزرگ نظرات طیفی از جناح سلطنت ایران را نمایندگی میکنند، آقای داریوش همایون هستند که در شماره ۱۰۲۲ کیهان لندن در مقاله‌ای با عنوان "پیروزی خشم و کین" از نگاه معروفترین نظریه پرداز راست به بهانه پرداختن به آن کشتار بزرگ افق فکری و نگاه قدرت مدار خویش را به نمایش گذاشته‌اند.

به باور آقای همایون «شهریور ۶۷ حقیقت انقلاب ۵۷ بوده است» و «هزاران جوان در خون تعمد یافته از دم شمشیر انقلاب خویش گذشته‌اند» چرا که «شهریور ۶۷ زورآزمایی نابرابر دو نیروی سیاسی بود که اگر چه ماموریتشان متفاوت بود، در خصلت انقلابی خود تفاوتی با هم نداشتند. دژخیم و قربانی به آسانی می‌توانستند جای خود را با هم عوض کنند اگر یکی دست بالاتر نیافته بود، دیگری به پیشدستی همان را می‌کرد.»

ایشان با کینه‌ای کمیاب و کمتر دیده شده فاجعه ملی شهریور ۶۷ را رویدادی می‌دانند که «با شرکت فعال و آگاهانه همدستان فاجعه» به قوع پیوسته است. «قربانی و جانی» در قلمرو فکری آقای همایون هر دو از یک قماش هستند، فقط دیگری کمی زودتر به خط پایان رسیده است. این که آقای داریوش همایون به عنوان یک مبارز پیگیر از جوانی و دوران معاونت آقای منشی زاده و فرماندهی سومکا (کپی وطنی حزب نازی) محور چالش‌های عقیدتی و فکری شان را علیه چپ و انقلاب قرار داده اند با سابقه فکری ایشان خوانایی کامل دارد و پیگیری ایشان در این زمینه ستودنی است! ایشان با جعلی آگاهانه به عمد هر گاه سخن از چپ گفته اند آن را معادل استالینیسیم گرفته‌اند هر کس تاریخ نداند فکر می‌کند استالین ادعایی آقای همایون سلطنت طلبان را قلع و قمع کرده است و نه متفکران بزرگ چپ را. با این شیوه استدلال و منطق چوبین می‌توان به آقای همایون یادآور شد که تاریخ پادشاهی مروج سنت پسر کشی و برادرکشی بوده و هر چه پادشاه در تاریخ شاهنشاهی ایران داشته‌ایم، جفت جفت چشم درآورده و مناره‌ها از سرها برپا ساخته‌اند. آقای همایون به بهانه برخورد با هر رویداد تاریخی تلاش می‌کنند که با گیوتین تحلیل شان سر چپ رابزنند. این البته حق آقای همایون است و تعرض به حرم این حق جایز نیست، اما با دفاع از حقوق بشر و ادعای دموکراسی‌خواهی آقای همایون در تعارض قرار می‌گیرد. ایشان در بررسی فاجعه شهریور ۶۷ حتا واژگان ارتجاعی خمینی را ادبیات چپ می‌دانند و کشتار ۶۷ را «بهای پوشیدن ردای فرصت‌طلبانه اسلامی» از طرف چپ‌ها ارزیابی می‌کنند. ببینیم این رجعت‌خواهی اعتبارطلبانه ایشان که خود را مدافع حقوق بشر می‌دانند و «تلاش» نا «فرخنده» همفکران و مریدانشان که وی را تبلور دموکراسی خواهی ایران جلوه می‌دهند تا چه میزان با واقعیت منطبق است. گویی ایشان از جوانی و عرق‌ریزان زیر پرچم دموکراسی خواهی سینه زده‌اند. و نه آنکه در یکی از مهم‌ترین

در پاسخ به داریوش همایون

در آغاز نماینده انجمن با احترام تمامی جان باختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی يك دقیقه سکوت اعلام کرد و سپس چنین ادامه داد

مراسم یادمان امسال را با یاد یار از دست رفته مان مسیح راستی مبارکه آغاز می کنیم هفته پیش نیز یکی از با سابقه ترین مبارزان جنبش کارگری و اتحادیه ای ایران یعنی آلبرت سهراییان را نیز از دست دادیم ما در گذشت او را به همه یاران و همقطاران او تسلیت میگوئیم و سپس گزارش يك سال ترور و سرکوب جمهوری اسلامی را به حاضران ارائه داد و آنگاه سخنان آقای علی اصغر حاج سید جواد با عنوان- ادای دین به جان باختگان - توسط سخنگوی انجمن قرائت شد آقای حاج سید جواد در بخشی از سخنان خود چنین گفت

در جنایت پر از خون و توحشی که به دست جانیان ولایت فقیه به جان وهستی صدها جوان زندانی بیگناه در فاجعه سال 1367 صورت گرفت همه انگشت ها به درستی به سوی آمران و عاملان حاکم نشانه می رود، اما پرونده جنایتی به این وسعت از خشونت و بیرحمی ناقص می ماند اگر ریشه ها و علل تصمیم این کشتار وحشتناک را در نپاییم و از خود نپرسیم که چه مقدمات و چه حوادثی قتل چنین تصمیم شیطانی را موجب شد پس از آن نوبت به سخنرانی آقای متین دفتری تحت عنوان جنایت علیه بشریت رسید آقای متین دفتری با بررسی حقوقی جنايات جمهوری اسلامی تاکید نمود که ما در دادخواهی نه تنها کشتار سال 67 بلکه باید تمامی اعدامهای سالهای 60 و دیگر کشتارهایی که توسط جمهوری اسلامی صورت گرفته است را باید مورد تاکید قرار دهیم

سخنران بعدی آقای خسرو عبدالهی بود که با بررسی جنایات رژیم در کردستان ویر شمردن روستاهایی که توسط جمهوری اسلامی ویران و اهالی آنها قتل عام شدند بطور ویژه به کالبد شکافی قتل عام وچگونگی از دم تیغ گزاردن پیر و جوان در دهکده قارنا پرداخت

بخش بعدی برنامه میز گرد جنایت رژیم جمهوری اسلامی علیه بشریت بود در این میز گرد خانم شهین هیرمند پور حقوقدان موارد حقوقی و قضائی که میتوان به استاد آنها اعمال جمهوری اسلامی را جنایت علیه بشریت نامید بر شمرد و سپس گزارشی از فعالیت تا کنونی کمیته موقت تدارک برای برسمیت شناساندن کشتار سال 67 به مثابه جنایت علیه بشریت به حاضران ارائه داد آقای مهران مصطفوی موارد شقوقی مختلفی که در همین رابطه در کشورهای گوناگون بویژه در آمریکا لاتین بکار گرفته شده است تشریح نمود

خانم فریبا ثابت زندانی سیاسی و از دیگر شرکت کنندگان در میز گرد ضمن تشریح کشتار سال 67 گفت مبعثران این رژیم با آتش زدن سینما رکس آبادان و قتل عام تماشاجیان بیگناه کار خود را آغاز کردند و با به آتش کشیدن - شهر نو - و سوزاندن زنان نگون بخت مبارزه با فحشارا شروع کردند کردستان و ترکمن صحرا را در بهار آزادی به خون کشیدند و زندانهای کشور را به حمام های خون تبدیل کردند و در يك يورش و با همدستی همه جناحهای رژیم جنایتی آفریدند و هنوز هم ادامه دارد و گفت به نظر من قتل عام 67 با توجه به اینکه همه جنایات رژیم را بازتاب میدهد تمرکز روی آن ما را به اهدافمان برای دادگاه بین المللی نزدیک تر میکند

آقای مهدی اصلاهی زندانی سیاسی و شرکت کننده در میز گرد به تشریح این جنایت در زندان گوهر دشت پرداخت و با تاکید بر ویژگی کشتارهایی که در زندان گوهر دشت صورت گرفت مشاهدات خود را با حاضران در میان گذاشت آقای بهروز فراهانی نماینده انجمن و گرداننده میز گرد با تاکید بر اهمیت اقدام در جهت برسمیت شناساندن جنایات جمهوری اسلامی به مثابه جنایت علیه بشریت از تمامی حاضران درخواست کرد که به این حرکت بپیوندند

بخش پایانی برنامه نمایش فیلم مستند 55 دقیقه - ایران مقاومت مردم زیر اختناق - به کارگردانی جمشید گلماکانی بود این برنامه از ساعت 8 شب آغاز و تا ساعت 12 ادامه داشت .

سال 67 را گرفته و بپرسیم تا این لحظه چرا کلامی از آن ذبح انسانی بر زبان نرانده است و دروغ جامعه مدنی و مدینت را آشکار کنیم. آقای همایون اجازه می دهید از شما به عنوان وزیر اطلاعات و سخنگوی دولت و معاونت تك حزب موجود در جامعه آن روز ایران که کینه تاریخی تان را در پوشش دموکراسی خواهی امروزان پنهان کرده اید، سوال کرده و بپرسیم چرا شما که از پیروزی کینه و خشم می گوئید و از تداوم آن که سالیان دراز با خود حمل کرده اید، هیچ نمی گوئید؟

تا آن جا که به امضاکنندگان این متن که برخی تجربه دو زندان شاه و شیخ را دارند و از شاهدان زنده آن جنایت هولناک هستند برمی گردد، به شما می گوئیم که حداقل در مورد ما به تاریخ راست نمی گوئید آن جا که "دژخیم و قربانی به آسانی می توانستند- در سال 67- جای خود را با هم عوض کنند. با پیام "وحدت خوانی و همراهی" مشروطه تان نا سازگار است شما سالها برای مقابله با چپ جامعه را با مذهب واکسینه کردید و امروز رجعت خواهی شگفت و ناخرمندی تاریخی تان را بر سر دیگران آوار می کنید. آقای همایون ما نه تنها در حال حاضر بلکه در زمان وقوع جنایت هم از کینه مورد اشاره شما نسبت به قاتلانمان دور بودیم. ما اعدام را يك پدیده شوم تاریخ ارزیابی می کنیم که تمام به قدرت رسیدگان تاریخ مبینمان از جمله شما با دست و دل بازی آن را خرج کرده اند. آقای همایون شما در سال 59 با امکانی که برایتان فراهم گردید از دست صادق خلخالی به سلامتی گذشتید امروز که همفکران خلخالی و خمینی فرادست شده اند و مسابقه قدرت را از شما برده اند اگر گرفتار سیستم جهنمی آنها می شدید، با منطق خودتان باید با شما آن می شد که بدان استناد کرده اید؟ آقای همایون به راستی در فرادی احتمالی به قدرت رسیدنتان (فرادست شدن دوباره) با مخالفین فکری تان چه خواهید کرد؟ با شیوه استدلال و تئوری قدرت مدار شما . باید همه را از دم تیغ بگذرانید. مگر خود را خارج از این قانونمندی ارزیابی کرده و این قاعده رانتها برای دیگران به رسمیت بشناسید. شما در آزمون قدرت يك بار مردود شده اید. ما امیدواریم آموختن از تاریخ را فقط به دیگران توصیه نکنید و سرمنشا این تداوم کینه در فکر و حوزه اندیشه قدیم شما که سیاهی و چماق تبلور آن بوده نباشد. وگرنه حکایت ما، حکایت دیگر است .

سودابه اردوان - مژده ارسى - زهرا استرم - مهدی اصلاهی - همایون ایوانی - محمدعلی پیمان - منصور تیریزی - فریبا ثابت - ناصر خدایپناهی - محمود خلیلی - فرخ ذاکر زاده - مینا زرین - شهاب شکوهی - احمد فتح الهی - اسماعیل محمدی - احمد موسوی - سیاوش محمودی - مهران ناظمی - جعفر یعقوبی - قلی یعقوبی.

گزارش مراسم شانزدهمین سالگرد یادمان کشتار تاپستان 67 در پاریس

ای دوست

ای برادر

ای همخون

وقتی به ما رسیدی

تاریخ قتل عام کلها را بنویس

به مناسبت شانزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی و عقیدتی در تاپستان سال 67 جمعی از ایرانیان آزاده مقیم پاریس در روز شنبه 18 سپتامبر در مراسمی که به دعوت انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران برگزار شد شرکت کردند .

ادامه از صفحه یک

قدرت مردم در عصر امپریالیسم

کرد. وقتی رهبر يك کشور قدرتمند اینگونه غیرمسئولانه با حوادث برخورد میکند، ما باید بپذیریم که در عصر بربریت سرمایه و امپریالیسم زندگی میکنیم.

پس "قدرت مردم" در این عصر به چه معناست؟ اصلا معنایی دارد و یا مردم و قدرتشان وجود دارند و به حساب میآیند؟ در زمان فعلی فرض بر این است که میلیونها انسان با رفتن به پای صندوقهای رای حقوق خود را به نمایش میگذارند. رای دادن باید به مثابه اعمال قدرت مردم باشد. آیا میلیونها انسانی که به پای صندوقهای رای میروند، به واقع به دولت مورد دلخواه خود دسترسی پیدا میکنند؟ و آیا این دولتهای انتخابی خواسته های مردم را به اجرا درمیآورند؟

در مورد انتخابات آمریکا، آیا انتخاب کنندگان آمریکایی دارای اختیارات حقیقی اند؟ فرض را بر این گذاریم که جان کری وارد کاخ سفید شود. در این صورت بخشی از ننگان سرمایه جایی خود را با دیگران عوض خواهند کرد. عده ای از اینکه از این پس چهره های دیک چین، رامسفلد و جان اشکرافت را نخواهند دید و از دردیهای و فیکانه شان خبری دریافت نخواهند کرد متاثر خواهند شد. اما فکر نمیکند که ما دوباره با "سیستمی بوش زده" بدون بوش روبرو خواهیم بود؟

صاحبان قدرت حقیقی، مدیران بانکها و شرکتها بزرگ تغییر نخواهند کرد، در هر حال آنان کاری به انتخابات ندارند. آنان به هر دو طرف دست اندرکار انتخابات کمک خواهند کرد. از بخت بد باید گفت که ارزش گذاری انتخابات منحصر به رقابت میان تعدادی افراد شده است، مبارزه میان اینکه چه کسانی بهتر امور امپراتوری را اداره خواهند کرد. سیستم سیاسی در آمریکا به گونه ای است که تنها کسانی میتوانند به ریاست جمهوری برسند که منافع شرکتها نظامی و صنعتی را در نظر بگیرند و تعجب انگیز نخواهد بود که هم اکنون بحث عمده میان دو کاندیدای ریاست جمهوری این است که کدام يك میتواند مبارزه با "تروریسم" را بهتر پیش ببرند. در گذشته نه چندان دور بیل کلینتون نیز سیاست مشابهی را دنبال میکرد با اندکی تاخیر و تسریع، وی نیز خواستار ادامه سیاستهای بوش در مورد اسرائیل و عراق و سایرین بود، بمباران سودان از کارهای او بود.

پس علیرغم وجود اتهامات گوناگون در ظاهر، آنان در پشت پرده توافق کامل دارند. با این حساب اگر مردم آمریکا جان کری را انتخاب کردند، در آن صورت رئیس جمهوری خواهند داشت تحت نام جان کری بوش، در حقیقت جای اختیار حقیقی نیست، اختیار موجود چنین است، همانند اینکه شما هر کدام از مواد پاک کننده آبیوری و تاید را که انتخاب کنید وابسته به شرکت "پروکتور اند گامبل" میباشد.

فرقی که میتوان ذکر کرد این است که از این دو یکی هم ممکن است کمتر قساوت داشته باشد. جنبش ضدجنگ در ایالات متحده به شکل خارق العاده ای توانسته است دروغ و تبلیغات فریبکارانه دولت را نزد مردم افشا نماید. این نه فقط خدمت ارزنده ای به مردم آمریکاست بلکه خدمتی به همه مردم جهان است. اما اگر جنبش ضدجنگ در آمریکا از جان کری پشتیبانی نمود، بسیاری گمان خواهند برد که با شرکت سازمان ملل متحد در کشور عراق، امپریالیسم آمریکا عملکرد بهتری خواهد داشت. آیا امپریالیسم اگر به جای کشتار مستقیم مردم عراق توسط سربازان آمریکایی، دست به دامان سربازان پاکستانی، هندی و یا هر کشور دیگری بشود، وضعیت بهتر خواهد شد. شما فکر میکنید که مردم عراق اگر مشاهده کنند که به جای شرکتها آمریکایی، شرکتها دیگری از فرانسه، آلمان، روسیه و... در غارت کشورشان سهیم شده اند، خوشحال خواهند شد. آیا به نظر شما این گونه بهتر یا بدتر است و یا این که امپریالیستی هشیار و یا کمتر هشیار حاکمیت داشته باشد؟ آیا این تنها راه باقیمانده است؟ از طرح سئوالات شاق خود عذر میخواهم.

حقیقت این است که دموکراسی انتخابی به وسیله ای برای بهره برداری و سوءاستفاده تبدیل شده است. این نوع دموکراسی میدان بسیار محدود و تنگی را در برابر ما میگذارد و بدتر این که همگان باور کرده ایم که تنها اختیار ما همین است، بحران دموکراسی مدرن به واقع بسیار عمیق است.

در کشور ما هند میان دولت و ملت فرق میگذارند و این فرق را به وضوح میشوید دید. مردم به دولت به عنوان مسئول زندگی خود مینگردند، اما در آمریکا به علت دموکراسی گسترده و "مه آلود" این فرق را میشوید به گونه ای دیگر دید. رابطه میان دولت و مردم در این کشور بسیار پیچیده و نازیباست. رسانه های جمعی هالیوودی اینگونه به مردم باورانده اند که آنان در حصار قرار دارند و تنها حامی آنان دولت است. مردم این گونه میاندیشند که دشمنانی خطرناک همیشه آنان را مورد تهدید قرار میدهند. این دشمن اگر کمونیسم نباشد نیکاراگوئه، اگر نه کوبا، القاعده و به هر حال دشمنی آماده تهاجم به آنان است. نتیجه اینکه ملت آمریکا با داشتن بزرگترین زرادخانه های اتمی و سایتهای دفاعی الکترونیکی - ملتی که خود برای اولین بار بمب اتمی را علیه دیگران به کار گرفته، آری این ملت - در ترسی دائمی به سر میبرد و از سایه خود نیز میترسد. ارتباط و وابستگی ملت آمریکا به دولت، نه به خاطر رفاه، فرهنگ و بهداشت و امکانات زندگی، بلکه به خاطر رعب و وحشت است.

دولت آمریکا از این ترس مصنوعی در جهت مقاصد خود سوءاستفاده نموده و ملت را وامیدارد تا به هر جنایتی در حق دیگران دست بزنند. این حالت همچنان ادامه دارد، درجات ترس و وحشت مردم و وابستگی آنان به همراه اعلام وضعیت فوق العاده زرد، نارنجی و قرمز بالا و پایین میشود. از دید يك بیننده خارجی دیدن فرق میان مردم و دولت آمریکا کار آسانی نیست. این درهم تنیدگی و اختلاط ملت - دولت موجب آوار عظیم ضدآمریکایی در جهان شده است. حکومت آمریکا به بهترین نحوی از این اوضاع سوء استفاده مینماید. و شما به طور طبیعی میبینید که میگویند: "چرا دیگران از ما نفرت دارند؟" "آنان از آزادی ما بیزارند" و... ادامه این سیاست توسط دولت آمریکا موجب عزلت بیشتر مردم آمریکا از دیگر ملل شده و وابستگی آنان را باز هم به دولت تشدید میکند. به کارگیری "خطر خارجی" توسط سیاستمداران آمریکایی قرنهاست که ادامه دارد، اما در این میان بسیاری پیدا شده اند که به بی پایگی این سیاست پی برده اند و مشغول در پیش گرفتن راه دیگری هستند.

پیش از شروع جنگ نامشروع و تجاوزکارانه آمریکا علیه عراق، در يك رای گیری که به وسیله "انستیتیو بین المللی گلوب" انجام گرفت، نسبت موافقان جنگ 11 درصد بود. در روز پانزدهم فوریه سال 2003 بیش از ده میلیون در سراسر اروپا و آمریکا به خیابانها ریخته و علیه جنگ نامشروع آمریکا به تظاهرات پرداختند. با وجود این حکومتها بعضی از این کشورها که قاعدتا میبایست دمکرات بوده و به آراء ملت خود گردن میگذارند، عکس آن عمل کرده و به جنگ علیه عراق دست زدند. در اینجا این سؤال مطرح میشود که این کشورها همچنان "دمکرات" اند؟

آیا شما احساس میکنید که این دولتها در برابر ملتهای خود مسئولیت دارند و یا اینکه ملتها مسئول اعمال دولتهای خود هستند؟

حال اگر به مطلب بالا اندیشیده اید، منطق جنگ با تروریسم و منطق تروریسم، همسان است. دو طرف مردم را وامیدارند تا بهای ترور و تروریسم را بپردازند. "سازمان القاعده" ملت آمریکا را وادار کرد تا بهای خطای دولتشان را در مورد ملتهای فلسطین، افغانستان، عراق و عربستان بپردازند. در اینجا فرق این است که کشورهای عراق، عربستان و افغانستان روسای منتخب نداشتند اما آمریکا رهبر انتخابی دارد و جورج بوش به وسیله مردم "انتخاب" شده است. همچنین روسای کشورهای ایتالیا، اسپانیا و نخست وزیر انگلستان منتخب مردم بوده اند، آیا آنان در مورد شرکت در جنگ آرای مردم خود را در نظر گرفتند؟

خدایا! چه کسی تصمیم میگیرد که جنگ عادلانه و یا ناعادلانه است. در سال 1990 وقتی يك هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس بر اثر اصابت موشکهای آمریکا سقوط کرد و مسافران همگی کشته شدند در آن روزها جورج بوش پدر اظهار داشت که برای من این امر مهم نیست و من از کسی عذرخواهی نخواهم

قدرت مردم در عصر امپریالیسم

در عرصه جهانی و به دور از وجود دولتهایی که فاقد قدرت حقیقی سیاسی اند، ارگانهای مختلف تجارت جهانی با ابزارهای «فانونی» و قراردادهای مختلف با بسیاری از کشورها، به درستی سیستم کلونیالیسم سابق را تحمیل نموده اند. آنان بدون هیچ قید و بندی سرمایه های خود را وارد و خارج کرده و به دلخواه خود سیاستهای اقتصادی خود را در این کشورها به اجرا میگذارند و با تهدید و تطمع هر گونه سیاستی که مایل باشند به اجرا میگذارند. این شرکتها با تسلط بر منابع طبیعی، معادن، آب و برق و با شرکت سازمان تجارت جهانی هرگونه قوانین را که به نفع آنان باشد در این کشورها به تصویب میرسانند تا به سیر سرمایه گذاری آنان آسیبی وارد نیاید. بدین وسیله آنان با کمال قساوت پتک سنگین خود را بر سر ملت‌های این جوامع فرود آورده و نابودشان میکنند. و اینها همه تحت عنوان برنامه های «تعدیل اقتصادی» انجام میگیرد. در نتیجه این به اصطلاح اصلاحات و تعدیلات، هزاران موسسه تولیدی کوچک و بزرگ به ورشکستگی دچار آمده و موجب بیکاری و آوارگی میلیونها نفر و خانواده های آنان شده است و این رشته سر دراز دارد.

در این میان مجله «اسپکتیر» در لندن چنین مینویسد: «ما در عصری زندگی میکنیم که سعادت، خوشبختی و امنیت به بالاترین مرحله خود رسیده است.» و میلیونها انسان در سراسر جهان سؤال میکنند که: «ما» کیست؟ «کجا زندگی میکنند؟ و اسمشان چیست»

تغییرات ریشه ای تحت هیچ شرایطی از طریق مذاکره با حکومتها انجام نخواهد شد. تنها ملتها از طریق متحد شدن و دست به دست هم دادن است که میتوانند تغییرات را بر دولتها تحمیل کنند و آن هم در پشت مرزهای ملی و میان همه ملتها.

چه راههایی برای اعتراض در برابر ملتها وجود دارد؟ مقاومت! منظور من در اینجا فقط اعتراض نیست، منظور من تحمیل این اعتراضات بر حاکمان است. امپریالیستها اسلحه های مختلفی را علیه مردم به کار میگیرند، آنان برای باز کردن بازارها از دفتهای چک و موشکهای کروز بهره میبرند.

در بسیاری کشورهای فقیر امپریالیستها با موشک های کروز وارد نمیشوند. آن چنان که در عراق و افغانستان عمل کردند. در بسیاری از کشورها آنان به وسیله بیکار کردن مردم، گران کردن قبضه های آب و برق، بالا بردن اجاره مسکن، موجب بی خانمانی، بیکاری و گرسنگی و آوارگی میلیونها انسان در این کشورها میشوند. ابزار آنان در این کشورها، دولتهای محلی، پلیس، دادگستری، و زندانهاست. این سیاست فقیر کردن امپریالیستها در کشورهای جهان سوم سالها است که ادامه دارد.

تا زمانی نه چندان دور برای ملتها مشکل بود که دشمنان امپریالیست خود را بشناسند و با آنها به مبارزه برخیزند، اما چندی است که این مبارزه و مقاومت در سطوح محلی را در همه جا، در خیابانها و در شهرهای مختلف و کشورهای مختلف به وضوح میتوان مشاهده نمود. شاید فهم این جملات که چگونه آنان با امپریالیسم مبارزه میکنند مشکل باشد، اما میشود این مبارزه را در جنوب افریقا، آرژانتین، عراق و حتی در خیابانهای اروپا و ایالات

متحده به وضوح دید. فعالان جنبش های اجتماعی به شکل جمعی و فردی، روزنامه نگاران، هنرمندان، فیلمسازان همه با هم اتفاق کرده اند تا بر تجاوزات امپریالیسم حدی گذاشته و آن را رسوا کنند.

انان توانسته اند به مردم به درستی توضیح دهند که چگونه نئولیبرالیسم باعث آن شده که آنان خانه، سرزمین، کار و کرامت انسانی خود را از دست بدهند. آنان با فعالتهای خود مسائلی نامفهوم را برای مردم قابل فهم و درک نموده اند.

این خود پیروزی بزرگی برای گروه های سیاسی است که به اشکال مختلف برای خود یک استراتژی نیرومند مبارزه با نئولیبرالیسم را به وجود آورده اند. این استراتژی این است «انکار و مبارزه با گلوبالیزاسیون.»

به طور عموم دو نوع مبارزه و مقاومت در کشورهای جهان سوم در جریان است: نوع اول جنبشی است متعلق به دهقانان بی زمین

در برزیل، جنبش مخالف سدسازی در هندوستان، زاپاتیستها در مکزیک و جنبش ضد تعدیل اقتصادی در افریقای جنوبی و صدها نوع جنبشهای این چنینی که در بسیاری کشورها علیه دولتهای ملی خود به مبارزه مشغولند. در حقیقت باید گفت که این دولتها نمایندگان قانونی نئولیبرالیسم جهانی هستند. این جنبشها در کشورهای خود به طرز رادیکال میکوشند تغییرات ریشه ای در ساختمان رشد اقتصادی خود به وجود آورند.

جنبش دیگری نیز در بخشهایی از جهان در جریان است که علیه اشغال و سیستم کولونیالی باقیمانده از قرن گذشته میباشد. میتوان در فلسطین، چین، تبت، کشمیر و بعضی مناطق هند این مبارزات را دید. آنان برای حق تعیین سرنوشت برای خود مبارزه میکنند.

آنانی که در قرن گذشته در افریقای جنوبی علیه آپارتاید مبارزه کرده و پیروز شدند امروز با اختلاف شدید بین فقر و ثروت در این کشور و با کشورهای مشابه به مبارزات تازه ای روی آورده اند. در بعضی از کشورها امپریالیستها مجددا دست به اشغال زده و مستقیماً این کشورها را به زیر سلطه درآورده اند.

عراق نمونه آشکار چنین تجاوز نامشروع و ظالمانه ای است. اشغالی در منتهای قساوت و وحشیگری به نام «آزادی». دوباره نویسی قانونی که اجازه تسلط و غارت ثروتهای دیگران را میدهد. امروز ثروت و منابع طبیعی کشور عراق به وسیله شرکتهای اشغالگران به تاراج میرود و خیمه شب بازی «حکومت عراق» که دست نشانده امریکاست بر همگان آشکار است.

بر همین اساس، سخیفانه است که مقاومت ملی در عراق که علیه اشغالگران امریکایی انجام میگردد، تحت عنوان تروریسم، متمردين و یا طرفداران صدام محکوم کنیم. آیا اگر کشور امریکا مورد تهاجم و اشغال کشوری قرار میگرفت در آن صورت ما میتوانستیم نیروهای مقاوم و مخالف اشغال امریکا را طرفداران بوش بنامیم و بر آنان برجسب تروریسم و متمردين برزیم؟

ملت عراق در جنگی علیه امپریالیسم شرکت دارند، لذا مبارزه آنان مبارزه ما نیز میباشد.

جنبش مقاومت ملی در عراق همچون سایر جنبش ها در بسیاری از مناطق جهان از طیفهای مختلف تشکیل شده، لیبرال، بعثی، اسلامی، کمونیسم که همگی در صف متحدی علیه اشغالگران کشور خود متحدانه عمل میکنند. طبیعی است که عده ای نیز در این میان به فرصت طلبی، رقابت و حتی به جنایتکاری دست زنند. اگر ما شرط را بر این بگذاریم که فقط به جنبشهای «ناب» کمک کنیم، چنان چیزی وجود نخواهد داشت. این به آن معنا نیست که ما حق انتقاد از این جنبش را نداریم، بسیاری از اینان فاقد دیدگاهی دموکراتیک و عدم شفافیت در برنامه هستند. اما بیشترین مشکلی که این سازمانها دارند تبلیغات سوء و قلع و قمع شدید علیه آنهاست و ما باید این را در نظر آوریم. آنچه که بر همه ما واجب است و قبل از هر چیز باید بدان توجه کنیم، درخواست خروج اشغالگران امریکایی از عراق است نه سرزنش مقاومتان عراقی. همه ما باید متحدانه و مصراحتاً خروج نیروهای امریکایی و هم پیمانانشان را در درجه ی اول قرار دهیم.

در سال 1999 اولین رودرویی مابین جنبشهای عدالت خواهانه و نئولیبرالیسم در امریکا و در شهر "سیاتل" انجام گرفت. برای بسیاری از مبارزان کشورهای جهان سوم که تا آن زمان خود به تنهایی بار مبارزه با نئولیبرالیسم را به دوش میکشیدند، بسیار جالب بود که ببینند که از این پس تنها نیستند و در کشورهای اصلی سرمایه داری نیز یارانی دارند که سرسختانه درگیر مبارزه با نئولیبرالیسم اند و با آنان در مبارزاتشان شریک اند.

در ژانویه 2001 در شهر پورتو الیگره برزیل بیست هزار نفر از فعالان مبارزات اجتماعی، شامل دانشجویان، فیلمسازان، روزنامه نگاران که بعضی از اینان از بهترین هنرمندان و متفکران جهانی بودند گرد هم آمده تا به تبادل نظر پرداخته و برای سعادت و خوشبختی انسانها چاره اندیشی کنند. این اولین تولد يك سازمان جهانی علیه امپراتوری بود، سازمانی منظم، رسمی و تشکیل شده از نیروی گسترده و عظیم مردم. شعار آنان چنین بود: "دنیا ی دیگری ممکن است".

سپتامبر 2004

اخبار و گزارشات

* بزرگداشت حیدر خان مساوی با بازداشت!

تهدید به برخورد با اعضای شورای مرکزی جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان در صورت عدم انصراف از درخواست مجوز بزرگداشت حیدرخان عموآوغلو!
جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان در تاریخ 83/3/2 اقدام به درخواست مجوز برای بزرگداشت "حیدرخان عموآوغلی" (از رهبران انقلاب مشروطه و از بنیان گذاران جنبش کمونیستی ایران) نمود که اکنون پس از گذشت 4 ماه از این درخواست، این تقاضا هنوز بی پاسخ مانده است. این در حالی است که طبق آیین نامه هیات نظارت باید جواب کتبی بدهد.

در پی این درخواست 2 تن از اعضای شورای مرکزی این تشکل به صورت غیررسمی به حراست دانشگاه فراخوانده شدند و در جلسه ای با حضور خانم عباسی رئیس حراست دانشگاه زنجان و نماینده ای از وزارت اطلاعات تهدید شدند که در صورت عدم انصراف از درخواست مجوز برنامه فوق الذکر مورد پیگرد قرار خواهند گرفت. نکته جالب توجه این است که هر 2 مورد دخالت در امور داخلی دانشگاه زنجان (لغو مجوز انجمن اسلامی دانشجویان برای برنامه بزرگداشت خسرو گل سرخی و دخالت در جهت منصرف کردن جمعیت اسلامی دانشجویان از درخواست مجوز چنین کنگره ای) از سوی وزارت اطلاعات دولت خاتمی؛ که شعار قانونگرایی و لزوم عدم دخالت نهادهای امنیتی خارج از دانشگاه در امور دانشگاه را سر میدهد صورت می گیرد و عملاً و نظراً میتوان ادعا کرد که استقلال دانشگاه در تصمیم گیریهایش در رژیم سلطنتی بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی است

* تحسن در دانشگاه گیلان رشت

پیک ایران: چهارشنبه گذشته، دانشجویان دانشگاه گیلان در محوطه دانشگاه تجمع کردند. در این تجمع که 10 ساعت ادامه داشت نزدیک به 500-400 دانشجو شرکت داشتند. آنان خواستار رسیدگی به امور رفاهی خود شدند. در این تجمع همچنین تصمیم گرفته شد تحسن دیگری در روز شنبه در برابر ساختمان مرکزی دانشگاه برگزار شود. گفته میشود نزدیک به 10 دانشجو در این رابطه دستگیر گردیدند و همچنین شایع است که مقامات سپاه گفته اند که قبل از بزرگاری تجمع آینده دانشجویان به خوابگاه دانشجویی حمله خواهند کرد. از حرکت شنبه گزارشی بدست ما نرسیده است.

* تجمع پرستاران مقابل مجلس

روزنامه اعتماد: اعضای هیات مدیره نظام پرستاری یکشنبه آینده (19 مهر) مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع برگزار می کنند این تجمع در خصوص پیگیری مطالبات پرستاران ساعت هشت صبح برگزار می شود. بر همین اساس رییس کل سازمان نظام پرستاری سراسر کشور در نمانی که به روزنامه نیز ارسال شد از کلیه اعضای هیات مدیره این سازمان خواسته است تا در این تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی حضور حتمی داشته باشند.

* ادامه تحسن دانشجویان موسیقی دانشگاه هنر

جمعی از دانشجویان دانشکده موسیقی دانشگاه هنر تهران در هفتمین روز تحصن خود خواستار حل مشکلات موجود از طریق وزارت علوم شدند.

به گزارش سرویس صنفی خبرگزاری (ایسنا)، این دانشجویان که از شنبه هفته گذشته در اعتراض به مشکلات آموزشی خود دست به تحصن زدند، امروز نیز با در دست داشتن پلاکاردهایی که در آنها مشکلات خود را عنوان کرده بودند به تحصن خود ادامه دادند.

یکی از دانشجویان متحصن در گفت و گو با ایسنا، در مورد اقدامات امروز متحصنین، گفت: به دنبال بی توجهی مسئولین دانشگاه به خواسته های متحصنین، دانشجویان خواستار تشکیل جلسه ای با حضور نماینده وزارت علوم، شدند.

وی تأکید کرد که این تحصن تا زمان تشکیل جلسه حل مشکل ادامه دارد.

گفتنی است، تلاش خبرنگار ایسنا جهت گفت و گو با مسئولان دانشکده موسیقی دانشگاه تهران ابجایی نرسیده است.

* تظاهرات صد حکومتی در اصفهان، یزد و فلاورجان

«بازتاب» گزارش داد، حدود 300 نفر در ناآرامی های به وجود آمده در جشن های نیمه شعبان، بازداشت شدند.

پنا بر گزارش خبرنگار «بازتاب» از اصفهان، در ناآرامی های به وجود آمده در حاشیه جشن های نیمه شعبان در استان های اصفهان و یزد که پنجشنبه شب رخ داد، گروهی از افراد به بهانه شرکت در جشن های نیمه شعبان، اقدام به مصرف مشروبات الکلی در خیابان ها و اخلاص در نظم عمومی کردند.

همچنین پنجشنبه شب، حدود 500 نفر در میدان انقلاب اصفهان، اقدام به تظاهرات کردند. جوانان با شکستن شیشه های بانک ها و تخریب تعدادی از خودروها و ساختمان های دولتی، 3 نفر از مأموران حاضر در محل را مجروح کردند.

پس از آن با دخالت مأموران، حدود 270 نفر از تجمع کنندگان دستگیر شدند که به ادعای "بازتاب" تعداد زیادی از آنان آزاد شدند. در شهر فلاورجان نیز، 15 نفر دستگیر شدند.

خبر دیگری از یزد نیز حاکی است، شماری از مردم یزد با مصرف مشروبات الکلی، اقدام به نا آرامی در منطقه امام شهر یزد کردند. این افراد که تعدادشان حدود 40 نفر بود، به وسیله جماع و سنگ، اقدام به تخریب شیشه ها کرده و به یک سرباز حاضر در محل حمله و وی را مجروح کردند.

* جنایت رژیم در نورآباد ممسنی

فرد کشته شده در حوادث نورآباد ممسنی، یک دانش آموز بوده است که به گفته جانشین فرمانده انتظامی استان فارس بر اثر اصابت گلوله صورت گرفته است.

در این زمینه فرماندار نورآباد ممسنی همچنین اعلام کرد: بیش از 90 درصد دستگیرشدگان وقایع روز سه شنبه نورآباد جز سپرده گذاران نبوده اند.

به گزارش ایسنا، پس از اعلام ورشکستگی صندوق «ذوالفقار علی» در ممسنی، جمعی از مال باختگان، مقابل دادگستری شهرستان نورآباد ممسنی تجمع کرده و خواستار تعیین تکلیف سپرده های خود شدند.

به گفته جانشین فرمانده انتظامی استان فارس در پی این تجمع تعدادی نیز با پیوستن به صف تجمع کنندگان اقدام به سر دادن شعارهایی علیه نیروی انتظامی کردند و دفتر صندوق قرض الحسنه مذکور را به همراه یک دستگاه اتوبوس به آتش کشیدند.

در جریان این شورش یک تن کشته، 13 تن زخمی و 47 تن دستگیر شدند که حال یکی از زخمی ها نیز وخیم گزارش شده است.